یادداشت:
مهدی آیت‌ثانی
بانی پویش «برای شهید»

## حس خوب زیارت

این اواخر هر وقت می‌رفتیم بهشت زهرا، افسرده می‌شدیم. دیگر زیارت شهدا حالمان را خوب نمی‌کرد.

با بُهت و حیرت به خانه برمی‌گشتیم و از خودمان می‌پرسیدیم یعنی قرار است هیچ‌کس کاری نکند؟ باید سنگ مزارهای شهدا تا این حد جرم گرفته، بی‌رنگ و بدشکل شوند؟ باید رفته رفته همه سنگ‌ها تعویض شده و سنگ‌های سیاه رنگِ بی‌روح و دلگیر جایگزین شوند؟ اصلا مگر شهدا جزو اموات هستند که سنگ مزارشان سیاه باشد؟

بعضی خانواده‌ها و بستگان شهدا فکر می‌کردند باید به احترام شهیدشان سنگ مزار تازه‌ای بگذارند؛ اما انگار نمی‌دانستند فضای نوستالژیك گلزار شهدا با این تعویض‌ها از بین می‌رود و دیگر آن حس و حال خوب دهه‌های ۶۰ و ۷۰ وجود نخواهد داشت. با خیلی‌هایشان حرف زدیم، همه می‌گفتند چون سنگ مزار شهیدشان جرم گرفته یا اسیدسوخته شده و دیگر صیقل و زیبایی نداشت، مجبور بودند سنگ مزار را عوض کنند.

خیلی‌ها هم پشیمان بودند و می‌گفتند سنگ قدیمی خیلی بهتر بود، کاش عوض نمی‌کردیم! سنگ‌های سیاه بعد از یکی دو سال سفیدك می‌زد و واقعا بدشکل می‌شد. برخی مادرها هم سنگ کدر و حتی معیوب قدیمی را به سنگ سیاه ترجیح می‌دادند و هرطور بود آن را حفظ می‌کردند.

القصه، هیچ‌کس متوجه سونامی تعویض سنگ مزارها نبود. اما امام(ره) گفته بودند: «قبور شهدا زبان گویایی است که به عظمت روح جاوید آنان شهادت می‌دهد.» حالا اما این زبان (سنگ مزار و حجله) داشت از بین می‌رفت.

دست به کار شدیم. روش‌های همه گروه‌هایی را که روی سنگ مزارها کار می‌کردند مطالعه کردیم. با متخصصان سنگ و رنگ، مشاوره‌های مفصل داشتیم. دو سه نفری شروع کردیم و یك صفحه در اینستاگرام ساختیم، اسمش را هم گذاشتیم @baraye_shahid. شهریور ۹۷ با یك جمع ۴۳ نفری اولین روز کاریمان را شروع کردیم و تا الان ۵۳۰ مزار را رنگ‌آمیزی کرده‌ایم.

بی‌اغراق، تخصصی‌ترین روش را برای حفظ سنگ مزارها و کاستن از انگیزه‌های تعویض سنگ مزارها توسط اشخاص، پیش گرفتیم. بعد از سه ماه تلاش دستگاهی ساختیم که در صنعت سنگ وجود نداشت! و طی ده مرحله، رسوب سی چهل ساله سنگ مزار را برمی‌دارد و صیقل ممتاز به سنگ مزار می‌دهد. صیقل و جلایی که کارخانه‌های سنگ هم قادر به ارائه آن نیستند. قیمت یك خط صیقل کارخانه‌ای ۳۰۰ میلیون تومان بود، اما دستگاه ما با ۱/۵ میلیون تومان درست شد. هزینه صیقل سنگ در کارخانه دو سال پیش ۵۰۰ هزار تومان بود اما حالا ما بدون برداشتن سنگ مزار با ۱۵ هزار تومان صیقل ممتاز ارائه می‌دهیم. همه هزینه‌هایمان مردمی بوده و از هیچ جا کمك دولتی نگرفته‌ایم. خود شهدا راه را باز کردند و هر چیزی را که لازم داشتیم، جلوی پایمان گذاشتند. ما مردمی بودیم که دوست نداشتیم یادگار مادران شهدا به خاطر بی‌توجهی‌ها و گذر زمان از بین برود. فقط خدا می‌داند هر سنگ مزار چند بار صورت نازنین مادر شهید را حس کرده است. فقط خدا می‌داند چرا حفظ آن حجاری‌های زیبا، پرمعنا و بی‌بدیل واجب است؛ ما به اندازه حس‌ها و خاطرات کودکی‌مان از گلزارهای شهدا ماجرا را دنبال می‌کنیم.

حالا دیگر هیچ خانواده‌ای نباید به خاطر جرم‌گرفتگی و اسیدسوختگی، انگیزه تعویض سنگ مزار شهیدش را داشته باشد. دوست داریم گلزار و مزاری باقی بماند که به زیارتش برویم. دوست داریم باز هم مثل قدیم‌ها از دیدن یك عالم رنگ و تنوع متن و حجاری سنگ مزارها ذوق کنیم و حالمان خوب شود.

همه آثار باستانی ایران را شاهان و سلاطین ساخته‌اند، اما گلزارهای شهدا تنها اثر فرهنگی و میراثی هستند که «مردم» آنها را خلق کرده‌اند؛ با عواطف و عقاید و تفکر نابشان. ما باید این مزارها را برای آیندگان حفظ کنیم؛ به احترام مادران شهدا و #برای_شهید. در معرفی صفحه اینستاگرام نوشته‌ایم: هدیه به مادر بی‌مزار شهدا(س).

## خاطرات یك چترباز

کتاب «سپیدارهای آن‌سوی دوله‌تو» خاطرات اسارت ناصر حیدری یکی از چتربازان نیروی مخصوص ارتش است که سال ۵۸ به دست حزب دموکرات کردستان اسیر شده است. مهر خبر داده این کتاب نوشته شده و به‌زودی منتشر می‌شود.

راوی کتاب علاوه بر غائله کردستان، در جنگ هشت ساله نیز حضور مستمر داشته اما فاطمه بهبودی به عنوان نویسنده، تنها به بیان خاطرات او از زندان دوله‌تو پرداخته و با استفاده از فلاش‌بك خاطراتی را از کودکی راوی، بستر خانوادگی، چگونگی پیوستن ناصر حیدری به ارتش روایت می‌کند.

به گفته نویسنده این اثر، اولین کتاب از زبان یك نظامی ارتشی اسیر شده است که چند ماه بعد از شلوغ‌کاری حزب منحله کومله و دموکرات برای دفاع به منطقه بانه رفته بودند. برخی جنایت‌های دو حزب مذکور نیز در قالب خاطره در این کتاب روایت شده است.

اواخر امسال رهبر معظم انقلاب در زیارت گلزار شهدای تهران تأکید کردند که یکسان‌سازی قبور شهدا غلط است

عکس: khamenei.ir

در گفت‌وگو با برادر شهیدی که مزارش بعد از طرح یکسان‌سازی گلزار شهدا دوباره به حالت اول برگردانده شد

# مزارهایی که موزه‌اند

فاطمه باقری
گروه فرهنگ و هنر

تصور همه ما از گلزار شهدای شهرمان، جایی شبیه موزه است: فضای سرسبزی که طراوت، حماسه، فرهنگ و تاریخ را با هم دارد و شبیه آرامستان بقیه درگذشتگان نیست. حجله بالای سر هر شهید پر از عکس‌ها و جزئیات دیدنی از وسایل شخصی اوست که مادر یا خانواده شهید با دقت و ظرافت آنها را انتخاب کرده است؛ شعر و حجاری‌های متفاوت روی سنگ هر مزار هم برای خودش حکایتی دارد.

حالا اما یکسان سازی مزار شهدا حال و هوای گلزارها را عوض کرده است. این قانون از سال ۸۴ برای ترمیم و اصلاح فضای گلزارها شروع شد، اما بعد از سال‌ها هنوز در درستی این حرکت حرف و حدیث‌های زیادی وجود داشت. یك نمونه، قطعه ۴۴ بهشت زهرا(س) یا همان قطعه سپید معروف است: سنگ‌های یك رنگ، هماهنگ و بدون تاریخ برای شهدای گمنام.

اما دهم بهمن امسال بود که رهبر انقلاب در حاشیه زیارت گلزار شهدای تهران روی نکته مهمی تاکید کردند: یکی از کارهای بدی که بعضی از مدیران گلزارهای شهدا انجام می‌دهند، این کار غلط یکسان‌سازی قبور شهداست.

این حرف دوباره خطر نابودی این موزه‌های جذاب را سر زبان‌ها انداخت. چند هفته بعد از این جمله رهبر معظم انقلاب، عکسی از مزار یك شهید ۱۹ ساله اهل خرم‌آباد به نام علی‌عباس حسین‌پور منتشر شده که برادر او تلاش کرده مزار شهیدش را تا حدی به شکل قبل از یکسان‌سازی برگرداند. به همین بهانه پای حرف‌های علی‌اصغر حسین‌پور نشسته‌ایم:

## آن‌قدر مجروح می‌شوم که عصافروشی راه بیندازید!

علی‌اصغر حسین‌پور ۴۹ ساله و کارمند بنیاد شهید است. می‌گوید سال‌های دفاع مقدس هفت برادر بوده‌اند و او سه سال از شهید علی عباس کوچك‌تر بوده است. آن سال‌ها جز برادر آخری که سن و سالی نداشت، همه این شش پسر در جبهه‌های جنگ حضور داشته‌اند: علی عباس گل سرسبد خانواده و ما برادرها بود. همه دوستش داشتیم. او هم درسخوان بود، هم نایب قهرمان دو و میدانی کشور. بعدها هم دانشجوی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه رضوی مشهد بود و هم در حوزه علمیه نواب مشهد درس طلبگی می‌خواند.

شهید علی عباس قبل از رفتن به دانشگاه مدرس عضو عقیدتی بسیج سپاه بود. دوران دبیرستان هم مسؤولیت انجمن اسلامی دبیرستان‌های استان را به عهده داشت. قبل از دانشگاه یك بار به جبهه می‌رود و از ناحیه پا مجروح می‌شود. زمانی که غواص خط‌شکن عملیات لشکر ۵ نصر بود، تماس می‌گیرد و می‌گوید من در منطقه جنگی هستم، به پدرم بگویید راضی باشد. چون هربار که با مجروحیت برمی‌گشت پدر می‌پرسید تو رفتی دانشگاه یا رفتی جبهه و جنگ؟! علی‌عباس هم به شوخی می‌گفت آن‌قدر می‌روم و مجروح می‌آیم که شما یك عصا فروشی اینجا راه بیندازید! حسین‌پور می‌گوید: پدرم راضی نبود. به علی عباس می‌گفت بقیه برادرهایت که جبهه هستند، تو درست را بخوان. او همین که متوجه شد هنوز دل پدرم راضی نیست، از منطقه آمد خرم‌آباد و از شب تا صبح با پدر صحبت کرد. چون پدرم ایشان را خیلی دوست داشت درنهایت گفت سپردمت به آقا امام حسین(ع). آنجا آن‌قدر شهید خوشحال می‌شود که همه همسایه‌های ما دیدند او از در خانه تا سر خیابان از شوقش می‌دود. علی عباس ارادت زیادی به امام رضا(ع) داشت و به روایت دوستانش از اتاقی در طبقه دوم خوابگاه که پنجره‌اش رو به حرم بود با امام راز و نیاز می‌کرد؛ قبل از شهادت ۴۰ روز روزه می‌گیرد و در یك یادداشت قبل از اعزام آخر می‌نویسد ای کاش یك بار دیگر امام رضا(ع) را زیارت کنم. جالب این‌که چون از طرف مشهد اعزام شده بود، پیکر ایشان به جای خرم‌آباد مجدد می‌رود مشهد و بعد از طواف در حرم با چند روز تأخیر به خرم‌آباد برمی‌گردد.

مزار شهید علی‌عباس حسین‌پور که در ۱۹ سالگی به شهادت رسید و در گلزار شهدای خرم‌آباد به خاک سپرده شده داستانی دارد که جزئیات آن را از زبان برادر بزرگ‌ترش در این مطلب بخوانید

## قصه بی‌تکرار پدرها و پسرها

۲۳ بهمن سال ۱۳۶۴ تاریخ شهادت علی عباس در فاو است: برادرم همراه دوستانش مدت‌ها برای غواصی تمرین کرده و خطرات رودخانه اروند، که رودخانه‌ای وحشی بود را به جان خریده بودند. عملیات والفجر ۸ شب اول و دوم با موفقیت انجام می‌شود. اما یك وقت که علی عباس در منطقه در حال وضو گرفتن بود هواپیماهای دشمن آنجا را بمباران می‌کنند. او هم ترکش می‌خورد و هم بمب شیمیایی. ترکش گلویش را شکافته بود. به گفته دوستانش تا لحظه شهادت که او را عقب بیاورند ذکر یازهرا می‌گفت، چون ارادت خاصی به حضرت زهرا(س) داشت. حسین‌پور زمان شهادت برادر در کردستان بود: من را به بهانه‌های مختلف فرستادند خانه تا کم کم خبر را بشنوم. من هم از او کوچك‌تر بودم و هم خیلی دوستش داشتم، اما چون خودم در جبهه بودم و شهادت دوستانم را دیده بودم، قصه شهادت کمی برایم راحت‌تر شده بود. همان زمان از سپاه آمدند که به پدر خبر شهادت را بدهند و حتی آمبولانس آوردند که نکند حال پدر بد شود. اما موقعی که به او خبر را دادند ایشان اولین جمله‌ای که گفت این بود: «فدای امام حسین(ع)» ما بعدها که خودمان بچه‌دار شدیم، فهمیدیم یك پدر چه می‌کشد که شش فرزندش در منطقه جنگی باشد و هر لحظه را با انتظار یك خبر تلخ بگذراند. خیلی دل می‌خواهد و آن زمان پدرها شهامت زیادی داشتند. برادر شهید، خواندن کتاب «مسافر ملکوت» را به ما پیشنهاد می‌کند که انتشارات شهید ابراهیم هادی آن را برای معرفی شهید علی عباس حسین‌پور منتشر کرده است.

## رهبری که هشدار دادند، دلگرم شدیم

برادر شهید عباس‌علی می‌گوید سال‌ها در فکر تغییر مزار او به همان شکل قبل بوده‌اند: ما هر تحویل سال را در گلزار شهدا می‌گذرانیم. خیلی از خانواده‌های دیگر هم می‌آیند ولی آنجا حال خوب سابق را ندارد. همه ما از بودن در فضای سبز لذت می‌بریم. گلزار هم به همین شکل بود، اما حالا خشك و خالی شده است. اصلا به خاطر همین ساماندهی، رفت و آمد مردم هم کمتر شده است.

او می‌گوید: امام و رهبری بارها از حفظ احترام مزار شهدا گفته‌اند. امام گفته‌اند مزار پاك شهداست که تا ابد زیارتگاه و دارالشفای آزادگان خواهد بود، اما امروز این مزار برای ما نشانه‌ای از زیارتگاه ندارد. بعد از این‌که رهبر عزیزمان از غلط بودن ساماندهی گلزار شهدا گفتند، ما برای تغییر اقدام کردیم. من اعتقاد به این کار داشتم اما خواستم قوانین را رعایت کرده باشم. حالا امر رهبر از هر صحبتی قابل تایید‌تر است. البته در این مسیر با آنها مخالفت‌هایی هم می‌شود اما حسین‌پور تاکید می‌کند مخالفت با گذاشتن یك ویترین و قاب در برابر این حجم از یکسان‌سازی نادرست، قابل قبول نیست و می‌گوید: ویترین را همین یك هفته پیش و به بهانه سالگرد خاکسپاری شهید گذاشتیم. خیلی از خانواده‌ها هر هفته قاب عکس را می‌آورند و می‌برند. اما ویترین که باشد عکس همیشه اینجاست. ببینید، عکس خیلی مهم است. همین ما همرزم‌ها وقتی به قاب عکسی در گلزار می‌رسیم خاطراتمان زنده می‌شود که این عکس را یادت هست؟! برای چه زمانی بود؟ به همین شکل یاد شهید هم زنده می‌شود، ولی با این قضایا گلزار مثل یك قبرستان ساده و بی‌روح شده است.

می‌گوید روز نصب ویترین، هم همرزم‌های شهدا حضور داشته‌اند و هم جوان‌ترها و ادامه می‌دهد: اتفاقا آنجا یك خانواده شهید گفتند ما هم می‌خواهیم این‌کار را انجام بدهیم. به نظرم این دست اتفاقات باعث می‌شود مسؤولان در یکسان سازی، نظر مردم و کارشناسان را هم در نظر بگیرند. در مردم هم دل و جراتی ایجاد می‌کند که در مکان‌های همسان‌سازی شده، تغییراتی ایجاد کنند.

## خداحافظی با خاطرات خوش سنگ‌ها

حسین‌پور می‌گوید از سال ۸۴ که بنیاد شهید و بنیاد جانبازان با هم ادغام شدند، طرحی به نام ساماندهی گلزار شهدا مطرح شد. این طرح در همه استان‌ها لازم‌الاجرا بود، ولی متولیان گلزار خیلی از استان‌ها مثل تهران آن را به طور کامل نپذیرفتند: «ماهیت ساماندهی خوب بود. مثلا در خرم‌آباد به دلیل کوهستانی بودن، قبور شیب تندی داشتند. مسؤولان به ما می‌گفتند والدین شهدا با این شیب نمی‌توانند راه بروند. به همین خاطر اینجا سکو زدند ولی رفت و آمد حتی سخت‌تر شد!

البته این تغییرات بدون اطلاع خانواده‌ها نبود. تا دو سه سال خانواده‌ها در برابر این اتفاق مقاومت می‌کنند اما متولیان یکسان‌سازی با دعوت خانواده‌ها به چند برنامه توجیهی و همایش، آنها را تا حدی قانع می‌کنند: هر چند مردم مثلا این شرط را گذاشتند که سنگ‌ها خراب نشود و حجله‌ها تغییر نکند اما آن‌طور که قرار بود، نشد. خیلی از سنگ‌ها که خانواده‌ها از ابتدای شهادت فرزندشان با آن خاطره‌ها داشتند، سنگ را تمیز کرده و با آن درد و دل کرده بودند، از بین رفت و زیرخاك‌ها ماند. خیلی از خانواده‌ها دوست داشتند این سنگ را یادگاری نگه دارند ولی فقط تعدادی موفق به این‌کار شدند.

خیلی از قبور به دلیل بی توجهی کارگر و پیمانکار جابه‌جا شده بود. در ضمن چون می‌خواستند نقش و نگار و متن سنگ‌ها هم یکدست باشد، سنگ‌ها را از شهر دیگری می‌گرفتند. این سنگ می‌رفت شهرهای دیگر و یك وقت می‌دیدی اسم‌ها جابه‌جا شده! یا تاریخ تولد یا شهادت تغییر کرده. که با شناسایی خود خانواده‌ها این وضعیت درست شد. حجله بالای مزار شهید و قاب عکس داخل آن از مهم‌ترین تفاوت‌های گلزار شهدا با دیگر آرامستان‌هاست: آن زمان قاب عکس بود و حضور در گلزار حس و حال خوبی داشت، اما الان همه جا یکدست شده است. یکی از دوستان تعبیر خوبی داشت. می‌گفت این مزارها مثل گورستان سربازان جنگ‌های جهانی می‌شود؛ در کشورهایی که اعتقادی به ایثار و شهادت ندارند. یعنی زمینی با تعدادی کشته و سنگ‌های صافی در زمین.

فضای سبز گلزار هم به واسطه بخشی از مسیر یکسان سازی قطعه از بین می‌رود: برای درست کردن سکوها ریشه درخت‌ها را خرد کردند و بدتر این بود که ساخت و ساز با بنیاد شهید بود و بعد از آن، حفظ و نگهداری با شهرداری. به این شکل که اگر اینجا مراسمی باشد، ماشین‌های آتش‌نشانی می‌آیند گلزار را تمیز می‌کنند و می‌روند. آن هم همان قطعه‌های جلو که برای ماشین راه دارد. ارتباط با سکوهای بالا قطع شد. چون آب به درختان سکوی بالاتر نمی‌رسد همان تعداد باقیمانده درختان هم خشك شدند. قدیم تر باند و بلندگویی بود که مثلا تحویل سال از آن دعا و مداحی پخش می‌شد، اما حالا نه.

**آگهی تجدید مناقصه**

دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند واقع در آزادراه تهران- ساوه، شهر جدید پرند، در نظر دارد، اجرای کلیه امورخدماتی و نظافتی و نگهداری فضای سبز دانشگاه را به صورت حجمی براساس متراژ ابنیه به شرح اسناد مناقصه به مدت یکسال به شرکت‌های مشخص و واجد شرایط، از طریق مناقصه‌عمومی واگذار نماید.

- هزینه خرید و دریافت اسناد: ارائه اصل رسید مبلغ واریزی ۵۰۰/۰۰۰ ریال به حساب ۰۱۰۵۳۸۴۶۴۲۰۰۵ در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند به همراه معرفی‌نامه از شرکت
- مهلت خرید و تحویل اسناد: ۱۰ روز کاری به جزء پنجشنبه‌ها از تاریخ انتشار آگهی در ساعت اداری (از ساعت ۹ الی ۱۵)
- ارائه اصل فیش واریزی به مبلغ ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب فوق‌الذکر جهت تضمین شرکت در مناقصه
- متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند جهت اطلاع از شرایط و خرید اسناد به دبیرخانه کمیسیون معاملات واحد پرند، مراجعه نمایند.
- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.
- دانشگاه در رد و قبول پیشنهاد اختیار تام خواهد دارد.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند

آگهی تغییرات شرکت تولید بذر و نهال اصلاح شده و بسته‌بندی غلات و نباتات و خشکبار خوشه سبز البرز شرکت سهامی‌خاص به شماره ثبت ۱۰۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۱۳۴۴۲ به استناد صورتجلسه مجمع‌عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:- شرکت به دلیل عدم فعالیت منحل اعلام گردید.- خانم شادی شایگان‌دوست به شماره ملی ۲۵۹۱۱۳۰۴۵۰ به سمت مدیر تصفیه برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.- آدرس محل تصفیه استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله یوسف آباد، خیابان سی و نهم، خیابان سیدجمال الدین اسد آبادی، پلاك ۳۴۷، ساختمان کاج، طبقه پنجم، واحد۹، کدپستی ۱۴۳۴۶۸۳۱۳۷ می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری اشتهارد (۴۱۸۴۹۹)

آگهی تغییرات شرکت به‌نسج‌سپاهان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۷۵۱ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۳۱۸۱۸۵ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از محل مطالبات حال شده سهامداران و صدور سهام جدید از مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰ریال به مبلغ ۲۲۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال افزایش یافت و ماده ۴ اساسنامه شرکت به شرح زیر اصلاح گردید: ماده ۴ اصلاحی: سرمایه شرکت مبلغ ۲۲۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال (بیست و دو میلیارد و دویست میلیون ریال) نقدی است که به یکصد و یازده هزار سهم با نام عادی ۲۰۰۰۰۰ ریالی (دویست هزار ریال) منقسم گردیده و تماما پرداخت شده است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری اصفهان (۴۱۶۹۰۲)